



مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

تهیه و تنظیم: دکتر طاهره موسی زاده مقدم
دبیر دبیرستان های منطقه ۸ تهران

درس ۳ مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

❖ مراعات نظیر

❖ تلمیح

❖ تضمین



کزین برتر اندیشه بر نگذرد

به نام خداوند جان و خرد



- علم بدیع همراه با دو علم دیگر، معانی و بیان، علوم بلاغت را تشکیل می‌دهند. معانی از ایراد سخن به مقتضای حال و مقام سخن می‌گوید و بیان از ایراد معنی واحد به طرق مختلف بحث میکند و بدیع از زیباییهای سخن، بعد از رعایت معانی و بیان در آن.
- این علم از قرن سوم هجری در فرهنگ بلاغی اسلامی راه یافت. ابن معتر (قرن سوم هجری) نخستین بدیع نویس و «البدیع» او نخستین کتاب در این باره است.



بدیع در لغت به معنی تازه و نو است. در ادب فارسی به مجموعه آرایه‌های گفته می‌شود که بر زیبایی لفظی و معنایی سخن می‌افزاید و به دو دسته‌ی آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی تقسیم می‌شوند.



- به طور کلی ، می توان گفت صنایع لفظی ، صنایعی هستند که موسیقی کلام را برجسته می کنند .بخشی از از بدیع لفظی مربوط به تکرار حروف و آواهاست
- و براین اساس آرایه های واج آرای، سجع ، جناس ، ترصیع و موازنه در حوزه بدیع لفظی قرار می گیرند.
- در سال دهم با آرایه ها بدیع لفظی آشنا شدیم و امسال نیز با آرایه های بدیع معنوی آشنا خواهیم شد.



- بدیع معنوی بحث در شگرد هایی است که موسیقی معنوی کلام را افزون می کند و آن بر اثر ایجاد تناسب ها و روابط معنایی خاص بین کلمات است. به عبارت دیگر اگر بدیع لفظی باعث می شود که کلمات به وسیله تشابه و تجانس هر چه بیشتر مصوت ها و صامت ها به یکدیگر وابسته شوند و بین آنها رابطه آوایی محسوسی ایجاد شود، در بدیع معنوی آن چه ذهن را از واژه ای متوجه واژه دیگر «چه حاضر و چه غایب» می کند و به عبارت دیگر رشته ای که کلمات را به طرز هنری به هم پیوند می دهد، تناسب معنایی است.
- آرایه هایی همانند تناسب، تضاد، ایهام، اغراق، تلمیح، تضمین و... در حوزه علم بدیع معنوی مورد بررسی قرار می گیرند.
- در این درس با برخی از آرایه های بدیع معنوی آشنا می شویم...



مراعات نظیر (تناسب)

در لغت، مراعات تناسب‌ها و هماهنگی‌هاست و در اصطلاح ادبی آوردن واژه‌هایی است در سخن که با یکدیگر ارتباط معنایی (غیر از تضاد) داشته و یادآور یکدیگر باشند. به عبارت دیگر اجزایی از یک کل معنایی می‌باشند. زیبایی‌آفرینی مراعات‌نظیر در تعامل و هم‌نشینی واژه‌هاست.

توضیح

مراعات‌نظیر پرکاربردترین آرایه در شعر فارسی است.



با قفس قالب از این دامگاه مرغ دلش رفته به آرامگاه (نظامی)

در بیت بالا، واژگان «قفس، مرغ، دامگاه» به سبب ارتباط معنایی‌ای که با یکدیگر دارند، باعث ایجاد نوعی تناسب و زیبایی در بیت شده‌اند.



هر کاو نظری دارد با یار کمان ابرو / باید که سپر باشد پیش همه پیکان‌ها (سعدی)

در مثال بالا، شاعر با آوردن کلمات کمان، سپر و پیکان که از آلات و ادوات جنگی است، نوعی تداعی معانی را به وجود آورده و بر زیبایی و تاثیر بیت افزوده است.



ارغوان جام حقیقی به سمن خواهد داد / چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد (حافظ)

شاعر با به کار بردن نام گل‌های ارغوان، **سمن**، **نرگس** و **شقایق**، زیبایی و تناسب محسوسی در بیت به وجود آورده که باعث به‌وجود آمدن آرایه‌ی مراعات‌نظیر شده است.



مثال:

نماز در خم آن ابروان محرابی / کسی کند که به خون جگر طهارت کرد (حافظ)

حافظ در این بیت نیز به همراهی و پیوستگی کلمات نماز، محراب و طهارت، موجبات زیبایی معنوی بیت را فراهم آورده است. کلمات نماز و طهارت نیز از لحاظ ارتباط با فقه، تناسب معنایی دیگری دارند.



نکته:

● در شعر زیبای فارسی هر چه تناسب ها و تداعی های ادبی بیشتر و دیرپاب تر باشد لطف شعر بیشتر حس می شود:

● هر غنچهٔ خموشی مکتوب سر به مه‌ری است هر بانگِ عندلیبی آواز آشنایی است
(صائب)

● که غنچه از یک طرف با سر به مه‌ری و از سوی دیگر با عندلیب متناسب است و عندلیب از یک سو آوازا را تداعی می کند و از سوی دیگر با غنچه متناسب است.



● در این صنعت نیز باید از تخیل شاعرانه و صنعت های دیگر بهره گرفت و صرفاً از پهلوی هم قرار گرفتن کلماتی که نزدیکی و تناسب معنوی دارند مراعات نظیر ادبی پدید نمی آید؛ مثلاً نمی شود بیت زیر از فردوسی را دارای صنعت مراعات نظیر دانست، هر چند جم و فریدون و هوشنگ با هم تناسب دارند:

● ز جم و فریدون و هوشنگ شاه فزونی به گنج و به شمشیر و گاه

و یا این بیت از مولوی:

شیر و گرگ و روبهی بهر شکار رفته بودند از طلب در کوهسار
که آمدن «شیر و گرگ و روباه» در کنار هم زیبایی به وجود نیاورده است.

در لغت به معنی اشاره کردن با گوشه‌ی چشم است و در اصطلاح ادبی آن است که سخنور در کلام خویش، به **داستان**، **آیه**، **حدیث** و **مثال** اشاره کند. تلمیح، گنجاندن یک **داستان بلند** به یک **سخنی کوتاه** است و این ایجاز از جهت هنری بسیار مهم و قابل توجه است.

نکته

لازمه‌ی دریافت معنی و زیبایی تلمیح یا شرط لذت بردن و بهره‌مندی از این آرایه، **آگاهی داشتن** یا **آشنایی قبلی** با آن داستان، آیه، حدیث، شعر و ضرب‌المثلی است که در بیت آمده است.





مثال:

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را (شهریار)

در این مثال به حدیث «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» اشاره شده است.

مثال:

ای پریشان‌گوی مسکین، پرده دیگر کن / پور داستان جان ز چاه نابرا در نخواهد برد (مهدی اخوان ثالث)

در بیت بالا به داستان کشته شدن رستم به دست برادر ناتنی‌اش (شغاد) اشاره شده است.





مثال:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی / آن شب قدر که این تازه براتم دادند (حافظ)

این بیت تلمیح به نزول قرآن مجید در شب قدر دارد.



آوردن تلمیح در شعر و نثر به زیبایی کلام می افزاید، زیرا:

- تناسب و رابطه ای میان مطلب و داستان و واقعه اصلی برقرار می سازد.
- در تلمیح با واژه یا جمله ای، داستانی کامل یا کل مطلبی در ذهن تداعی می شود. این اشاره که سبب به خاطر آمدن و زنده شدن داستان یا مطلبی می گردد، بسیار شیرین و خوش است.
- تلمیحاتی که جنبه تشبیه یا استشهاد دارد، علاوه بر تلمیح خیال انگیز هم هستند.
- در تلمیح ایجاز هست.



در لغت ضمانت کردن و متعهد شدن به انجام کاری است و در اصطلاح ادبی آوردن **آیه**، **حدیث**، **مصراع**، **بیت**، **اصل نوشته** یا **سخن دیگری** را در شعر یا کلام تضمین گویند در تضمین شعر یا نوشته‌ی دیگران، اشاره به نام آن شاعر یا نویسنده لازم است، مگر آن که **به دلیل شهرت**، بی‌نیاز از ذکر نام باشد.



تضمین شعر:

جز این نگویم شاها که رودکی گوید: خدای چشم بد از ملک تو بگرداناد

مسعود سعد، مصراع دوم را از شعر رودکی تضمین کرده است



تضمین آیه:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوهی جناتُ تجری تحتها الأنهار داشت (حافظ)

حافظ در این بیت بخشی از آیه‌ی هشتم سوره‌ی بینه را عیناً در کلام خود به کار برده است.



مثال:

تضمین حدیث:

درویش بی معرفت نیار آمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «کاد الفقر أن یكون کفراً» (سعدی)

سعدی حدیثی از رسول الله (ص) را در کلام خویش تضمین کرده است و به خوبی توانسته با استفاده از این حدیث ارتباط میان کفر و فقر را نشان دهد.

مثال:



بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «رو سربنه به بالین، تنها مرا رها کن» (دکتر شفیعی کدکنی)

دکتر شفیعی کدکنی مصراع آخر را عیناً از بخشی از یکی از زیباترین غزلیات مولانا تضمین کرده است.

توضیح

آوردن آیه‌ای از قرآن یا حدیث در سخن، «اقتباس» و «درج» نیز خوانده شده است.



نکته:

در تضمین **عین عبارت** مورد تضمین باید ذکر شود، اما در تلمیح تنها به آن عبارت اشاره می‌شود یا فقط بخشی از آن در اثنای کلام ذکر می‌گردد.

۱- در نمونه های زیر آرایه مراعات نظیر بین کدام واژه ها ایجاد شده است؟ مشخص کنید.

الف) مه روشن میان اختران پنهان نمی ماند میان شاخه های گل مشو پنهان که پیدایی (رهی معیری)

مه، اختران، روشن / شاخه، گل

ب) چون در این میدان نداری دست و پای همچو / گوی اختیار سر به زلف همچو چو گانش گذار (صائب تبریزی)

میدان، گوی، چوگان / دست، پا، سر / سر، زلف

پ) باغ باران خورده می نوشید نور / لرزشی در سبزه های تر دويد (سهراب سپهری)

باغ، سبزه / باران، تر / خوردن، نوشیدن

ت) نرگس از چشمک زدن شد فتنه در صحن چمن / شیوه های چشم جادوی توام آمد به یاد
(محتشم کاشانی)

نرگس، چمن / چشم، چشمک زدن / فتنه، جادو، چشم

ث) باغ بی برگی

روز و شب تنهاست

با سکوت پاک غمناکش

ساز او باران، سرودش باد (اخوان ثالث)

تنها، سکوت / ساز، سرود / باد، باران

ج) آتش آن نیست که از شعله‌ او خندد شمع آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

(حافظ)

آتش، شعله، پروانه، شمع

چ) تا ز باغ خاطرت گل های شادی بشکفد هرچه در دل تخم کین داری، به زیر خاک کن

(ملک الشعرا بهار)

باغ، گل، تخم، بشکفد، خاک

ح) از اسب پیاده شو، بر نطع زمین رخ نه زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان

(خاقانی)

اسب، پیاده، نطع، رخ، پیل، شه، مات شدن

(خ) بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می زندگی خواهی
که ادريس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما (سنایی)

بمیر، مرگ، مردن، زندگی (زندگی: عرفا زندگی واقعی را در مرگ می دانند از دیدگاه دیگر بین
مرگ و زندگی آرایه تضاد هم وجود دارد)

(د) دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار

گوشه تاج سلطنت می شکند گدای تو (حافظ)

دولت، عشق، / افتخار، تاج سلطنت / فقر، گدا

(ذ) هر چه رفت از عمر یاد آن به نیکی می کنند

چهره امروز در آینه فردا خوش است (صائب تبریزی)

عمر، امروز، فردا / چهره، آینه

(ر) آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی (فرخی یزدی)

شاعر سر، پای و دست را به گونه ای در شعر کنار یکدیگر چیده است که خواننده لذت می برد.

۲- در ابیات زیر تلمیح رامشخص کنید و درباره آن توضیح دهید.

الف) حرفی است این که خضر به آب بقا رسید

زین چرخ دل سیه، دم آبی ندیدست (صائب تبریزی)

تلمیح به داستان حضرت خضر و دست یافتن او به آب حیات

ب) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب

جسمی دارم چو جان مجنون همه درد جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب

(خاقانی)

تلمیح به داستان عشق خسرو، پادشاه ساسانی و شیرین برادرزاده مهین بانو

بیت دوم: تلمیح به داستان عشق لیلی و مجنون

پ) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا (سنایی)

اشاره به داستان حضرت ابراهیم خلیل که آتش بر او گلستان شد.

ت) من نمازم را وقتی می خوانم

که اذانش را باد گفته باشد

سر گل دسته سرو

من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می خوانم

پی قد قامت موج (سهراب سپهری)

اشاره به آیه قرآن: یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض الملك القدوس العزيز الحكيم

(سوره جمعه، آیه ۱)

ث) دامن خاک شد ز بسد و لعل تاج فرعون و گنج دقیانوس (رہی معیری)

این بیت اشاره به دو داستان دارد:

۱- اشاره به تاج جواهر نشان (فرعون)

۲- اشاره به گنج های فراوانی که دقیانوس داشت. (در زمان اصحاب کهف)

ج) شور و شیرین تو را نازم که بعد از قرن ها

هر که لاف عشق زد، نامی هم از فرهاد برد (فاضل نظری)

اشاره به داستان عشق فرهاد به شیرین دارد. فرهاد عاشق پاکبخته ای که در راه عشق به شیرین جان داد.

چ) ناقه سنگین می رود در هر قدم گویی زشوق

روح مجنون چنگ در دامان محمل می زند (طالب آملی)

اشاره به عشق مجنون به لیلی دارد که مجنون بعد از مخالفت پدر لیلی با ازدواجشان از شدت عشق لیلی سر به بیابان گذاشت و در نهایت پس از مرگ لیلی بر سر مزارش جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ح) در آینه دوباره نمایان شد

با ابر گیسوانش در باد

باز آن سرود سرخ أنال‌حق

ورد زبان اوست. (محمد رضا شفیعی کدکنی)

شعر به داستان بردار زدن حسین بن منصور حلاج، یکی از عرفای بزرگ اشاره دارد.

۳- آرایه تضمین را در اشعار و عبارات زیر پیدا کنید و ارتباط تضمین را با قسمت های دیگر متن مشخص کنید.

الف) ایوب با چندین بلا، کاندر بلا شد مبتلا پیوسته این بودش دعا «الصبرُ مفتاحُ الفرَج»
شاعر برای اینکه پیام خود را به زیبایی برساند از این حدیث بهره برده است: صبر کلید
فرج و گشایش است. مولوی در چند جا از این حدیث استفاده کرده است:
گر تو کوری نیست بر اعمی حرج ورنه رو کالصبرُ مفتاحُ الفرَج

ب) گفت غالب اشعار او (سعدی) در این زمین به زبان پارسی است. اگر بگویی، به فهم
نزدیک تر باشد. «كَلِمَ النَّاسِ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (گلستان سعدی)

سعدی در کلام خود از این حدیث حضرت علی استفاده کرده است تا بتواند مقصود خود را
بهتر برساند

پ) مکن گریه بر گور مقتول دوست قل الحمد لله که مقبول اوست (بوستان سعدی)

شاعر کلام خود را مزین به آیه قرآن کرده است.

ت) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت

شیوه «جنات تجری تحتها الانهار» داشت

در این بیت نیز شاعر از آیه (وَ ادْخُلَ الَّذِينَ آمَنُوا و عملوا الصالحات جنّات تجری من تحتها الأنهارُ خالدین فیها باذن ربهم تحیتهم فیها سلام) استفاده کرده است تا خواننده با خواندن آن درک بهتری از

موضوع داشته باشد.

ث) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدناک حقّ عبادتک»

سعدی در این عبارت از حدیث « سبحانک ما عبدناک حقّ عبادتک» بهره برده و ارتباط منطقی بین عبارت و این حدیث برقرار کرده است.

۴- شعر فرخی را در خود ارزیابی (۱) از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی (فرخی یزدی)

الف) ارزش و اعتبار آزادی، جایگاه والای آزادی

ب) آزادی آن قدر ارزش دارد که انسان جان خود را برای آن فدا کند.

۵- بیت زیر را بعد از تقطیع هجایی، به دو صورت برش بزنید و وزن آن را بنویسید.

بگشود گره ز زلف زرتار محبوبه نیلگون عماری (علی اکبر دهخدا)

پایه های آوایی	بگ شود	گره ز زلف	ف زرتار
	مح بوب	ی نی ل گون	ع ماری
وزن	مفعول	مفاعلن	فعولن
نشانه های هجایی	U - -	- U - U	-- U

پایه های آوایی	بگ شود گ	ره ززل ف	زر تار
	مح بوب	ی نی ل گون	ع ماری
وزن	مستفعلٌ	فاعلات	فع لن
نشانه های آوایی	U U - -	U - U -	--